

Research Paper

Review of Robert Wisnovsky's Article on "Maknun, Mass, and Mutahharun"

Ali Karimpoor Qaramaliki^{*1}

¹ Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Qom Province, Iran.



10.22080/qhs.2025.26414.1172

Received:

April 18, 2024

Accepted:

July 12, 2024

Available online:

March 10, 2025

Extended Abstract

1. Introduction

Verses 77-79 of Surah Al-Waqi'ah: "Indeed, it is a noble Qur'an (77) in a hidden Book (78) none can touch it except the purified" (translation based on the context). This surah, which is Meccan and the 44th revealed to the Prophet (PBUH), has engaged Muslim Quranic scholars in three fundamental areas: 1. What is meant by the "hidden book" (Kitab Maknun)? 2. What is meant by "touch" (Mass)? 3. Who are the "purified ones" (Mutahharun)? Similar to Muslim Quranic scholars, Orientalist Quran researchers have also sought to understand these three aspects. One such researcher is Robert Wisnovsky, who, in his article "Heavenly Book" published in

Volume 2, pp. 412-414 of the 'Encyclopedia of the Quran' (Leiden), provides a report based on the views of Muslim and non-Muslim Quranic scholars. He describes the "hidden book" as a comprehensive record of past, present, and future events and the source of revelation, referred to in the Quran as "Umm al-Kitab," "hidden book," and "Preserved Tablet." He then interprets "touch" as preservation and identifies angels as the "purified ones." The present research aims to prove that Robert Wisnovsky's report on the "hidden book," "touch," and "purified ones" is incorrect. The author, by referring to interpretive sources, seeks to demonstrate the flaws in Wisnovsky's report on these three aspects.

^{*}Corresponding Author: Ali Karimpoor Qaramaliki

Address: Qom Province, Iran.

Email: karimpoorali@yahoo.com

2. Methods

Documentary and library research methods, utilizing note-taking techniques, are highly practical for such studies. Thus, the documentary method was used to gather information on the discussed topics. The research method is descriptive-analytical.

3. Results

The findings of this research, using a critical-analytical approach, highlight the fact that Wisnovsky's article is deficient in presenting the views of Muslim commentators on the "hidden book," "touch," and "purified ones." Contrary to his view, the current study concludes that, according to the majority of Shia commentators, these three terms refer to the Quran, understanding, and pure, perfect humans. Sunni commentators, however, do not have a unanimous opinion on each of these terms, and there are differing views among them.

4. Conclusion

The above discussion concludes that Mr. Robert Wisnovsky, in his article "Heavenly Book" in the 'Encyclopedia of the Quran' (Leiden), has provided an incomplete and flawed report on the views of Muslim religious scholars regarding the "hidden book," "touch," and "purified ones" in verses 77-79 of Surah Al-Waqi'ah. His first interpretation of the "hidden book" is flawed because, according to both Sunni and Shia commentators, the "hidden book" refers to the Quran, or at least there is no consensus on the identity of the "hidden book" with the comprehensive heavenly

book as claimed by Robert. Moreover, contrary to Robert's view, the "hidden book" was not revealed in written form to the people by the Prophet. The attribute "Umm al-Kitab" also refers to the Quran, not the comprehensive book as Robert claims. Robert's second interpretation of "touch" is problematic because his claimed meaning only aligns with the word "purified ones" and is inconsistent with the context of the verses in question. Additionally, his interpretation does not align with the exalted status of the Quran, which these verses aim to describe, and it contradicts the meaning of the word "purified ones." Robert's third view on the "purified ones" is also deficient because the identification of angels as the "purified ones" is not the view of all Sunni commentators, and according to Shia commentators, the term is more general, including both angels and non-angels. Furthermore, Robert's identification of angels contradicts some other Quranic verses.

Funding

There is no funding support.

Authors' Contribution

The article is single-authored, and the entire research is the responsibility of the author.

Conflict of Interest

The author declares no conflict of interest.

Acknowledgments

Thanks to the respected editor and all the journal staff, especially Mr. Seyed Ebrahim Hosseini, whose follow-ups played a significant role in the completion of this article.

References

The Holy Quran, 2008, translated by Makarem Shirazi, Qom, Nasl-e Javan Publications.

Abu Hayyan, Muhammad ibn Yusuf, 2000, *Al-Bahr al-Muhit fi al-Tafsir*, Beirut, Dar al-Fikr.

Alusi, Shihab al-Din Sayyid Mahmud, 1995, *Tafsir Ruh al-Ma'ani*, Beirut, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.

Ansari, Murtada, 1995, *Kitab al-Taharah*, Qom, Sheikh Ansari Congress Publications.

Baghdadi, Ala al-Din Muhammad ibn Ali, 1995, *Tafsir Lubab al-Tawil fi Ma'ani al-Tanzil*, Beirut, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.

Baghawi, Husayn ibn Mas'ud, 2000, *Tafsir Ma'alim al-Tanzil fi Tafsir al-Quran*, Beirut, Dar Ihya al-Turath al-Arabi.

Baydawi, Abdullah ibn Umar, 1998, *Anwar al-Tanzil wa Asrar al-Tawil*, Beirut, Dar Ihya al-Turath al-Arabi.

Ibn Abi Zaynab, Muhammad ibn Ibrahim, 1977, *Al-Ghaybah* (by Al-Nu'mani), Tehran, Saduq Publications, 1st edition.

علمی

بازخوانی مقاله «رابرت ویسنو» درباره کتاب مکنون، مس و مطهرون

علی کریمپور قراملکی*^۱ ID^۱ استادیار، گروه علوم قرآن، جامعه المصطفی، قم، ایران.

10.22080/qhs.2025.26414.1172

چکیده

از هنگام نزول قرآن تا زمان حاضر که بیش از چهارده قرن می‌گذرد، فهم و درک معانی و مفاهیم قرآن در بین مسلمانان و غیر مسلمانان، منزلت خاصی داشته است. از آنجاکه غالب پژوهش‌های مستشرقان و اهداف آنان، مبتنی بر ارائه تصاویر ناصحیح از مفاهیم قرآن به مراکز علمی و جوامع جهانی است، لذا ارزیابی آثار آنان ضرورت و اهمیت پیدا می‌کند. هدف نگاشته کنونی، ترسیم نقایص پژوهش برخی مستشرقان در زمینه مفاهیم و معانی عمیق قرآن است. مقاله «کتاب آسمانی»، اثر رابرت ویسنو اسکای در دایره‌المعارف قرآنی لایبن، از جمله مقالاتی است که نویسنده، ضمن تلاش در جلب توجه مخاطبان به مفاهیم قرآنی، مقصود از «کتاب مکنون، مس و مطهرون» را به ترتیب، منحصر در منبع جامع آسمانی، صیانت و ملانکه بیان می‌کند. یافته‌های پژوهش کنونی با روش تحلیلی انتقادی، معطوف به این حقیقت مهم است که مقاله وی، در ارائه گزارش از عقیده مفسران مسلمان درباره موارد مذکور نقصان دارد. حاصل جستار کنونی، برخلاف نظر وی، منتج به این حقیقت است که مراد از آن سه در نظر غالب مفسران شیعی، عبارت از قرآن، فهم و انسان‌های کامل و پاکیزه است.

تاریخ دریافت:

۳۰ فروردین ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش:

۲۲ تیر ۱۴۰۳

تاریخ انتشار:

۲۰ اسفند ۱۴۰۳

کلیدواژه‌ها:

رابرت ویسنو؛ مستشرقان؛ مس؛ مطهرون؛ کتاب مکنون

* نویسنده مسئول: علی کریمپور قراملکی
آدرس: قم، ایران.ایمیل: karimpoorali@yahoo.com

هیچ گونه برخورد خشن و نامعقول و بد اخلاقی مشاهده نمی‌توان نمود.

در سالیان معاصر، نوع اقدامات غرب در مواجهه با قرآن، شکل‌های خاصی پیدا نموده است که نگارش دایره‌المعارف قرآنی، یکی از آنان به‌شمار می‌آید. «دایره‌المعارف قرآنی لایدن» در پنج جلد و هزار مدخل، یکی از این نوع نگاشته‌هاست. سرویراستار این دایره‌المعارف، خانم جین دمن مک اولیف استاد دانشگاه جرج تاون (آمریکا) است که چهار تن از معروف‌ترین قرآن‌پژوهان و اسلام‌شناسان غربی^۱، وی را در این راه یاری نموده‌اند. اهدافی از جمله: خلق بهترین اثر مرجعی در قرن حاضر، فراهم‌آوری در زمینه گسترده‌تر در باب قرآن‌شناسی و در دسترس قرار دادن آن برای طبقه عالمان متخصص، مد نظر مؤلفان اثر مذکور بوده است؛ لکن ایراداتی، مانند: جایگزینی توضیح الفاظ به جای تبیین معارف و تعالیم، کم‌توجهی به نظرات و منابع شیعه، استناد فراوان به نویسندگان غربی، ضعف بنیة علمی برخی از نویسندگان و ... بر آن وارد است.

بدیهی است، افزون بر اینکه خود این اثر، از ابعاد مختلف مورد نقد قرار گرفته، برخی از مقالات آن هم توسط محققان مسلمان مورد انتقاد قرار گرفته است. مقاله «نقد دایره‌المعارف قرآن لیدن بر اساس آرا و مبانی شیعه»، توسط محمد حسن زمانی (مجله پژوهش‌های فلسفی کلامی، ۱۳۸۲، ش ۱۷ و ۱۸؛ ۱۰۴-۷۵)؛ مقاله «بررسی و نقد مدخل «کتاب آسمانی» دایره‌المعارف قرآنی لایدن» توسط نگارنده، نشریه اسلام‌شناسی و قرآن‌پژوهی در جهان معاصر، شماره ۱، دوره ۳، سال ۱۴۰۳ و همین‌طور مقالاتی که در خصوص آیه شریفه به رشته تحریر درآمده‌اند، مانند: مقاله «نقد رویکردهای معنانشناسی واژه مس در آیه لا یَمْسُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»، اثر سید محمد مرتضوی و همکاران، نشریه آموزهای قرآنی، دوره ۱۰، ش ۱۸، بهمن ۱۳۹۱؛ ۱۲۸-۱۰۱؛ مقاله: «تفسیر تطبیقی آیه لا یَمْسُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»، نوشته عبدالرحمن باقرزاده، نشریه مطالعات تفسیری، ش ۲۳، سال ۱۳۹۴؛ ۱۲۲-۱۰۳؛ مقاله «دراسة مصطلح المطهرون فی آیه ۷۹ الشریفه فی سوره الواقعة لغویة دلالية»، نوشته نجارزادگان و علی اندیده، سال ۱۱، ش ۴، سال ۱۴۲۷؛ ۷۱۷-۶۹۵ و غیره، از جمله مقالاتی است که درباره آیه مذکور نوشته شده است. افزون بر آن آثار خاصی که در انتقاد از مقالات دایره‌المعارف لایدن به نگارش درآمده‌اند (ر.ک: مجله قرآن‌پژوهی خاورشناسان، مجله مطالعات اسلامی معاصر، مجله مطالعات اسلامی در جهان معاصر، اسلام‌شناسی و قرآن‌پژوهی معاصر و غیره)

درباره مقاله رابرت ویسنو، با عنوان کتاب آسمانی، مقاله انتقادی به رویت نگارنده نرسید. مقاله نگارنده هم نشریه مذکور، به شکل اجمالی است؛ درحالی‌که مقاله کنونی، به صورت مبسوط و حاوی بیانات خود رابرت ویسنو و اضافات، اعم از منابع و تحلیل‌ها است. متأسفانه رابت ویسنو، در صدد تحریف و برداشت نادرست از موارد مذکور است و جا دارد

۱ بیان مسأله

آیات ۷۷-۷۹ سوره واقعه: «إِنَّهُ لَفُرْعَانٌ كَرِيمٌ (۷۷) فِی كِتَابٍ مَّكْنُونٍ (۷۸) لَا یَمْسُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» که مکی و چهل و چهارمین سوره نازل شده بر پیامبر (ص) محسوب می‌شود، از جمله آیاتی است که اذهان قرآن‌پژوهان مسلمان را در سه حوزه اساسی ذیل، به خود مشغول نموده است: ۱. مراد از کتاب مکنون چیست؟ ۲. منظور از مس چیست؟ ۳. مصداق یا مصادیق مطهرون، چه کسانی است؟. همانند قرآن‌پژوهان مسلمان، خاورشناسان قرآن‌پژوه نیز در مقام فهم و درک محورهای سه‌گانه مذکور برآمده‌اند. مستشرقان با گزارش آرا و فهم و درک عالمان مسلمان، سعی نموده‌اند افزون بر گزارش از آن‌ها، خود نیز به ارزیابی و تحقیق بپردازند. یکی از افرادی که در زمینه قرآن‌شناسی به تحقیق مشغول گشته، رابرت ویسنو اسکای (Robert Wisnovsky) است. وی در مقاله «کتاب آسمانی» که در جلد ۲: ۴۱۴-۴۱۲ «دایره‌المعارف قرآن» لایدن چاپ شده، به گونه گزارشی با استناد به سخنان قرآن-شناسان مسلمان و غیر مسلمان، «کتاب مکنون» را حسابگر همه گذشته، حال و آینده حوادث و منبع وحی معرفی می‌نماید که با عناوین «امم الکتاب، کتاب مخفی و لوح محفوظ» در قرآن، از آن نام برده شده است. آن‌گاه، صیانت از آن را مراد از «مس» دانسته و سپس، ملائکه را از مصادیق «مطهرون» معرفی می‌نماید.

در این میان، پرسش‌های بسیاری درباره آن مطرح است. از جمله، اینکه آیا مقاله وی، توانسته در ارائه معنای واقعی آیه و کلمات آن، از منظر همه آرای عالمان مسلمان را درباره کتب مکنون، حقیقت مس و مطهرون گزارش نماید؟ و چقدر به منابع شیعه در کنار کتب اهل سنت مراجعه نموده است؟ و بالاخره، اینکه آن‌ها، چه اهداف خاصی در گزینشی عمل‌نمودن در پژوهش‌های خود دارند؟ و ...

نوشته کنونی، تلاش دارد ضمن اثبات جامع‌نبودن و ناکافی‌بودن گزارش‌های رابرت ویسنو بر اساس آثار ارزشمند قرآن‌شناسان مسلمان اعم از شیعی و اهل سنت، ضعف و سستی مقاله فوق را در این زمینه‌ها نشان دهد.

۲ پیشینه تحقیق

مطالعات قرآن‌شناسان مخالف با قرآن، درباره قرآن از زمان‌های گذشته در طول تاریخ وجود داشته است. فقط در هر دوره‌ای، رنگ و لعابی خاص به خود پیدا نموده است (کریمپور قراملکی، ۱۳۹۷: ۴۵) تحریفات لفظی و محتوایی، انتساب قرآن به منابع غیر خدایی، ترجمه‌های ناصحیح، انتخاب نام‌های مشوش و معشوش برای قرآن، استهزاء، قرآن‌سوزی در زمان‌های اخیر و ... بخشی از اقدامات غیر معقول و ناصحیح آنان در مواجهه با قرآن است. این در حالی است که در مواجهه مسلمانان با تورات و انجیل، غیر از برخورد علمی و نظری،

دانشگاه هاروارد (Wadad Kadi)، (داد قاضی)، (Andrew Rippin) از دانشگاه شیکاگو آمریکا و آندرو ریبین (William A. Graham) از دانشگاه ایکس.ان. پروانس، ویلیام گراهام (Claude Gilliot) از

علی کریمپور قراملکی. بازخوانی مقاله «رابرت ویسنو» درباره کتاب مکنون، مس و مطهرون

۱۱۴ صفحه‌ای، در کجای عالم قرار دارد؟ و وی، آن در کجا مشاهده نموده‌اند؟ غیر این اشکالات اجمالی، گزارش وی از چندین جهت، ایرادات اساسی دارد که برخی از آن‌ها به شرح ذیل است:

۳،۱،۱ عینیت کتاب مکنون با قرآن کریم

از ظاهر سخنان رابرت برمی‌آید که به نظر وی، گویا مسلمانان، کتاب مکنون را غیر از قرآن می‌دانند؛ درحالی‌که بر اساس عقیده قرآن‌شناسان مسلمان، عبارت «کتاب مکنون»، می‌تواند صفت هر یک از کلمات «قرآن، کریم و قرآن کریم» موجود در آیه شریفه باشد. صفت دانستن کتاب مکنون برای هر یک از سه مورد، حتماً به معنای جداانگاری صفت از موصوف نمی‌تواند باشد؛ زیرا معنای کتاب مکنون بودن قرآن به عنوان مثال، این است که قرآن، در حصاری محکم و پوشیده (معانی دقیق و حق) قرار گرفته است که هیچ کسی نمی‌تواند آن را تغییر بدهد و این، از اوصاف انحصاری قرآن است (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ج ۲۸: ۱۰۴).

شاهد بر آن، توجه به آیه بعد است که می‌فرماید «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ». چه بسا «کتاب» در اینجا، در معنای اصل لغوی‌اش (تنبیث و تقریر) به کار رفته؛ یعنی آیه شریفه، می‌خواهد بگوید: حقیقت قرآن، معانی‌ای است که فهم و معرفت و شهود آن در قبال مردم، در یک ستر و حفظ و غشاء است که جز مطهران، بدان راه نمی‌یابند (مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۱۰: ۱۲۳).

به بیان دیگر، منظور از کتاب مکنون، معانی بلند و معارف عمیق الهی است. دلیل اینکه قرآن در کتاب مکنون قرار داده شده است به خاطر پاسخ به شبهه کفار است که ادعا می‌کردند قرآن، پیوندی با عالم غیب و الله ندارد بلکه کتابی، بشری است که توسط پیامبر (ص) نگارش یافته است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۹: ۴۳۰) لکن خداوند با انزال این آیات شریفه، بیان داشته که قرآن، در ظرفی مصون از تغییر و تبدیل قرار داده شده است که تنها دست افراد پاک، می‌تواند بدان دسترسی داشته باشد. از این‌رو، قرآن، مرتبط به خدا و امر وحیانی است و جنس بشر، قادر به آوردن مثل آن نیست مگر اینکه خداوند، توسط پیامبری به مردم برساند.

از آن چه گذشت، معلوم گردید که کتاب مکنون، منبعی جدا از قرآن کریم نیست؛ بلکه یکی از اوصاف بارز قرآن کریم است که قرآن، با آن توصیف می‌گردد. پس، ادعای رابرت ویسنو که می‌گفت مسلمان‌ها، منظور از کتاب مکنون را کتاب دیگری می‌دانند، گزارش درستی نیست.

۳،۱،۲ عدم اتفاق مفسران به عینیت کتاب مکنون با کتاب جامع ادعایی

نقد دیگری که بر ادعای رابرت، وارد می‌شود این است که وی با این گفته خودش: «کتاب آسمانی، ... با عباراتی مانند «ام الکتاب» (قرآن ۴: ۴۳)، «کتاب مکنون» (قرآن ۷۸: ۵۶) و «لوح محفوظ» (قرآن ۲۲: ۸۵) به آن اشاره شده است» (Leiden Quran Encyclopedia, vol.2, p.412) ادعا نمود که مسلمان‌ها، کتاب مکنون را به معنای کتاب جامع غیر از قرآن می‌دانند، آن هم صحیح نیست؛

ایرادات وارد بر آن، تبیین و تحلیل گردد. بنابراین، وجه نوآوری مقاله کنونی در این است که افزون بر اینکه کاستی موجود در تحقیق رابرت ویسنو، پیرامون عنوان مورد بحث را روشن می‌نماید، وسعت دیدگاه‌های مفسران شیعی را نیز نشان می‌دهد.

۳ گزارش رابرت ویسنو درباره «کتاب مکنون»

رابرت ویسنو، ابتدا کتاب آسمانی را این چنین معرفی می‌کند: «کتاب آسمانی، ثبت‌کننده تمام رویدادهای گذشته، حال و آینده و منبع وحی است که در قرآن با عباراتی مانند «ام الکتاب» (قرآن ۴: ۴۳)، «کتاب مکنون» (قرآن ۷۸: ۵۶) و «لوح محفوظ» (قرآن ۲۲: ۸۵) به آن اشاره شده است» و سپس، آن را با نامه ثبت‌کننده اعمال در روز قیامت مرتبط می‌داند و چنین اظهار نظر می‌نماید: «کتاب آسمانی، دو نقش اصلی برای خداوند ایفا می‌کند: اولاً، به عنوان ثبت‌کننده تمام رویدادهایی که از زمان آفرینش تا روز قیامت اتفاق افتاده‌اند و خواهند افتاد عمل می‌کند (به منابعی مانند ترمذی، السیوطی، الدر المنثور، و رشید رضا، المنار مراجعه شود). به این ترتیب، این کتاب با دفتر الهی اعمال انسان‌ها که در روز قیامت نمایش داده می‌شود، مرتبط است (قرآن ۱۳: ۱۷؛ ۴۹: ۱۸؛ ۲۸: ۴۵-۲۹؛ ۷: ۸۴-۱۲). ثانیاً، در معنایی محدودتر، کتاب آسمانی منبع و کلیت تمام وحی‌ها، از جمله قرآن، است. برخی معتقدند که تعداد صفحات این کتاب ۱۰۴ و برخی دیگر ۱۱۴ صفحه است که بین وحی‌های پیامبرانی مانند شیث، ابراهیم، موسی، داوود، عیسی و محمد تقسیم شده است» (ر.ک: Leiden Quran Encyclopedia, vol.2, p.412).

از سخنان وی برداشت می‌شود که طبق نقل وی، اولاً، منظور از کتاب آسمانی، یک منبع جامع آسمانی است که همه کتب انبیای گذشته، از آن سرچشمه گرفته و منبع عام برای همه کتب انبیای ماضی به‌شمار می‌آید. ثانیاً، منبع مذکور، به همین دنیای مادی نازل گشته است. ثالثاً، منبع نام‌برده، به صورت کتاب نوشته شده و دارای صفحات مشخصی به تعداد ۱۰۴ یا ۱۱۴ صفحه است. بنابراین، به عقیده وی، کتاب مکنون، به صورت مکتوب بوده و دارای اوصافی است که نقلش گذشت؛ چراکه بیان می‌کند مشتمل بر صفحات مشخصی است و با همان شکلش، به دنیای مادی نازل گشته است.

۳،۱ بررسی و تحلیل

گزارش رابرت ویسنو، از جهات متعدد دارای خدشه است. ایراد اجمالی، نسبت به بیانات وی این است که کتاب آسمانی، نام خاصی نیست که کتاب‌هایی همچون: تورات، انجیل و قرآن از آن سرچشمه گرفته باشد؛ بلکه عنوانی عام است که همه متدینان روی زمین، آن را بر کتاب وحیانی خودشان، به عنوان صفت گذاشته‌اند؛ نه اینکه اسم باشد، لذا مرادشان از این وصف مذکور، انتساب کتبشان به خداوند متعال است. افزون بر آن، رابرت ویسنو اظهار نکرده که کتاب مذکور، به چه شکلی نازل گردیده است؟ آیا به صورت مادی فرود آمده یا به صورت غیرمادی؟ همچنین، بیان نداشته‌اند که این کتاب ادعایی ۱۰۴ یا

دیدگاه چهارم: عینیت کتاب مکنون با مصحف موجود در دستان مسلمانان

بعضی نیز، مانند قتاده و مجاهد معتقدند که مراد از آن، مصحفی است که در دستان ماست (طبرسی، بی‌تا: ج ۹: ۵۱۰) از وقتی که قرآن، به صورت مصاحفی در دست عموم مسلمانان قرار گرفت از هرگونه تحریف و تبدیلی مصون گشت و از این لحاظ که آن موقع که این آیه نازل شده، هنوز مصاحف به این صورت رایج نبوده عملاً این آیه، یکی از موارد اخبار از غیب به‌شمار می‌آید که در قرآن آمده است (ابوحیان، ۱۴۲۰: ج ۱۰: ۹۲).

دیدگاه پنجم: عینیت کتاب مکنون با مصحف موجود در دل مسلمانان

منظور از کتاب مکنون، قرآنی است که در دل مؤمنان استقرار دارد و کسی را توان کندن و زدودن آن از دل مسلمانان نیست (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۲۷؛ ابن عربی، ۱۴۲۲: ج ۲: ۳۲۲).

از آن چه بیان شد، معلوم گردید که درباره تفسیر «کتاب مکنون» در میان قرآن‌پژوهان مسلمان، اتفاق نظر نیست هرچند در نظر غالب آنان، خود قرآن است. پس اینکه رابرت ویسنو، مدعی بود که کتاب مکنون از منظر قرآن‌پژوهان مسلمان، منبع جامع و شامل همه کتب انبیای گذشته است، ادعای درستی نمی‌تواند باشد (ر. ک: Leiden Quran Encyclopedia, vol.2, p.412).

دیدگاه ششم: عینیت کتاب مکنون با قرآن حضرت علی(ع)

با توجه به برخی از روایات، چپسما منظور از کتاب مکنون، قرآن حضرت علی(ع) باشد که نزد ائمه(ع) قرار دارد وگرنه قرآن در دل همه افراد مؤمن هست. به‌عنوان نمونه، در حدیث ذیل چنین می‌خوانیم: «أَخْبَرَنَا عَبْدُ الْوَّاحِدِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يُونُسَ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ رِيَّاحٍ الزُّهْرِيُّ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ الْجَمْعِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ أَيُّوبَ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو الْخَنَعِيُّ عَنْ جَمَاعَةِ الصَّائِغِ قَالَ: سَمِعْتُ الْمُفَضَّلَ بْنَ عُمَرَ يُسْأَلُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) هَلْ يُفَرِّضُ اللَّهُ طَاعَةَ عَبْدِ اللَّهِ ثُمَّ يَكْتُمُهُ خَبَرَ السَّمَاءِ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) اللَّهُ أَجَلٌ وَ أَكْرَمُ وَ أَرْأَفُ بِعِبَادِهِ وَ أَرْحَمُ مِنْ أَنْ يُفَرِّضَ طَاعَةَ عَبْدِ اللَّهِ ثُمَّ يَكْتُمُهُ خَبَرَ السَّمَاءِ صَبَاحاً وَ مَسَاءً قَالَ ثُمَّ طَلَعَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى (ع) فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَيْسُرُكَ أَنْ تَنْظُرَ إِلَى صَاحِبِ كِتَابِ عَلِيٍّ فَقَالَ لَهُ الْمُفَضَّلُ وَ أَيُّ شَيْءٍ يَسُرُّنِي إِذَا أُعْظِمَ مِنْ ذَلِكَ فَقَالَ هُوَ هَذَا صَاحِبُ كِتَابِ عَلِيٍّ الْكِتَابِ الْمَكُونِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ - لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ؛ ... جماعت صائغ می‌گوید: شنیدم مفضل بن عمر، از امام صادق(ع) می‌پرسید: ممکن است خدا، اطاعت شخصی را بر مردم واجب نماید ولی آن شخص را از اخبار آسمان محروم کند؟ امام(ع) فرمود: خداوند بزرگتر، کریهتر، رؤوفتر و مهربان‌تر از آن است که بندگان خود را به پیروی از شخصی ملزم نماید، ولی او را صبح و شام از اخبار آسمان محروم کند. در این هنگام موسی بن جعفر(ع) وارد شد، امام صادق فرمود: خوشحالی از دیدار کسی که صاحب کتاب علی(کتاب مکنون) است؟ پس مفضل به او گفت: پس چه چیزی بیشتر از آن مرا خشنود می‌کند، فرمود: این، صاحب کتاب علی است، کتابی که خدای متعال درباره آن می‌فرماید:

زیرا مفسران مسلمان، اعم از شیعه و سنی در تفسیر کتاب مکنون، اتفاق نظر واحدی ندارند. ممکن است این نظریه نادر، در کتابی نوشته شده باشد، اما چون هیچ توجیه معقولی برای آن وجود ندارد و در کتب معتبر از دانشمندان و شخصیت‌های برجسته تاریخ اسلام نقل نشده است، شایسته نیست در یک دایره‌المعارف تخصصی قرآن به‌عنوان یک نظریه مهم گزارش شود. آرای ذیل را می‌توان در بین قرآن‌پژوهان مشاهده نمود:

دیدگاه اول: عینیت کتاب مکنون با حقیقت قرآن کریم

برخی از مفسران مسلمان، بیان داشته‌اند که منظور از کتاب، خود قرآن است. بر اساس معنای لغوی «مکنون» که در لغت، به معنای مصون، محفوظ و مستور است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ج ۵: ۲۸۱؛ جوهری، ۱۴۰۴: ج ۶: ۲۱۸۸؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۱۸: ۴۸۴؛ فیومی، ۱۳۹۷: ج ۲: ۵۴۲) مصونیت خود قرآن کریم از هر گونه بطلان و انحراف و مستوریت آن، از دستبرد تحریف‌کنندگان است (فخر رازی، ۱۳۹۷: ج ۲۹: ۴۳۰؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۱۷: ۲۲۵) طبق این آیه شریفه، یکی از اوصاف آن، محفوظ بودن خود قرآن از سخنان باطل (سوره فصلت/۴۲) و اتصاف آن، به حق (سوره سبأ/۴۹) و منزهبودن آن از اعوجاج و انحراف ظاهری و غیر ظاهری است (سوره زمر/۲۸).

دیدگاه دوم: عینیت کتاب مکنون با لوح محفوظ

ابن عباس در یکی از اقوالش، بیان نموده که منظور از کتاب مکنون، لوح محفوظ است. همان گونه که خداوند در آیه ۲۱ و ۲۲ سوره بروج: «بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ - فِی لَوْحٍ مَحْفُوظٍ» بدان اشاره می‌نماید. گروه زیادی از عالمان، تمایل به این نظریه نشان داده‌اند. (طوسی، بی‌تا: ج ۹: ۵۱۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۵: ۱۲۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۴: ۴۶۹؛ بغدادی، ۱۴۱۵: ج ۴: ۲۴۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ج ۵: ۱۸۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۲۹: ۴۳۱؛ بغوی، ۱۴۲۰: ج ۵: ۱۹؛ حقی برسوی، بی‌تا: ج ۹: ۳۳۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۹: ۱۳۷؛ الوسی، ۱۴۱۵: ج ۱۴: ۱۵۳؛ سبحانی، بی‌تا: ج ۹: ۳۶۲).

البته، در تفسیر لوح محفوظ میان علما، اختلاف اقوال است. برجسته‌ترین اقوال، قول مرحوم علامه طباطبایی است که معتقد است قرآن، موطنی نوری و فوق عقل بشری دارد که از آن جایگاه در قرآن کریم، به لوح محفوظ و ام کتاب در آیه ۳ و ۴ سوره زخرف: «إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (۳) و إِنَّهُ فِی أُمِّ الْكِتَابِ أَدْنَىٰ أَلْفِیٍّ حَكِيمٍ؛ که ما آن را قرآنی فصیح و عربی قرار دادیم، شاید شما (آن را) درک کنید! (۳) و آن در «أم الكتاب» [لوح محفوظ] نزد ما بلندپایه و استوار است! یاد شده است. همین‌طور، از حقیقت مذکور در قرآن با تعبیر دیگری همچون: کتاب حفیظ (ق/۴) و کتاب مبین (یونس/۶۱) و هود/۶) و رق منشور (طور/۳۱) تعبیر آورده شده است.

دیدگاه سوم: عینیت کتاب مکنون با تورات و انجیل

برخی هم مانند عکرمه، بر آن هستند که منظور از کتاب مکنون، تورات و انجیل است که بر ما پوشیده و در آن دو، قرآن به کرامت و بزرگی یاد شده است (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۷: ۲۲۵).

می‌شوند که از آن در برابر هرگونه تغییر محافظت می‌کنند. جلد این کتاب از مرواریدهای سفید و جواهرات قرمز یا سبز ساخته شده و نوشته‌های آن از نور است» (ر. ک: Leiden Quran Encyclopedia, vol.2, p.412) از سخن وی، معلوم می‌شود که مس، نه به معنای علم و اطلاع بلکه به معنای صیانت و حفاظت و مس ظاهری است. بر اساس این فهم، معنای آیه شریفه به نظر وی، بدین گونه می‌شود که تنها ملائکه هستند که می‌توانند آن منبع جامع را از هر گونه تغییری نکه دارند.

۴،۱ بررسی و تحلیل

گزارش رابرت ویسنو درباره تبیین معنای «مس» که مستند به آیه ۷۹ سوره واقعه می‌نمایند، از جهاتی متعدد مخوش است که برخی از آن‌ها، عبارت‌اند از:

۴،۱،۱ اعم بودن واژه «مس» در لغت

اهل لغت برای کلمه مس برخلاف لمس، دو معنا ذکر کرده‌اند. خلیل بن احمد گفته است که کلمه «مس» به معنای لمس کردن است و کنایه از قرائت، یافتن طعم، نازل نمودن، نکاح، غیر ملتفت و جنون هم آورده می‌شود. (فراهیدی، ۱۴۱۰: ج ۷: ۲۰۹؛ طریحی، ۱۳۷۵: ج ۴: ۱۰۷) لکن به نظر مفردات راغب اصفهانی، واژه «مس» غیر از کلمه «لمس» است. واژه «لمس» برای یافتن چیزی است که اشیا را لمس می‌کنند و دست می‌زنند هرچند که یافت نشده باشد، چنانکه شاعر می‌گوید: وَ الْمَسُّ فَلَا أَجْدُ: جست‌وجو کردم و لمس کردم ولی نیافتم. لکن مس، در موقعی گفته می‌شود که با ادراک و حواس لامسه همراه باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۶۶) از این‌رو، برخی گفته‌اند که مس، برخلاف لمس که مختص حس با ید است حس با غیر ید را نیز شامل می‌گردد، لذا خداوند فرمود: «مَسَّتْهُمُ الْبَاسَاءُ» (سوره بقره/ ۲۱۴) یا فرمود: «وَ إِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بَصْرًا» (سوره انعام/ ۱۷) (عسکری، ۱۴۰۰: ۱۳۸).

از سخنان اهل لغت، معلوم می‌گردد که کلمه «مس»، اعم از معنای حس و درک ظاهری و مفهوم حس و درک باطنی؛ یعنی فهم و ادراک است. طبق نظر مفسران، اراده هر دو معنا در آیه شریفه محتمل است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۵: ۲۲۶؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۱۷: ۲۲۶)

از این‌جا، پی می‌بریم رابرت ویسنو که کلمه مس را، فقط به معنای حفظ و نگهداری معنا می‌کرد، ادعای صحیحی ننموده؛ زیرا واژه مس، به معنای ادراک هم می‌آید، لذا گزارش رابرت ویسنو که منحصرأ معنای حسی را مطرح نموده‌اند، ناقص است.

۴،۱،۲ عدم صحت اراده انحصاری معنای صیانت از

«مس»

اساساً، اراده معنای صیانت و حس ظاهری هم در آیه شریفه بر اساس دلایل ذیل، نمی‌تواند درست باشد:

جز پاکان به آن دست نمی‌زنند؟ (ابن ابی زینب (نعمانی)، ۱۳۹۷ق: ۳۲۷) گفتنی است، حدیث مذکور، مقابل بیان تفسیری نیست؛ چراکه این حدیث، تأویل آیه شریفه است، لذا می‌تواند اشاره به یکی از مصادیق کتاب مکنون باشد.

۳،۱،۳ نازل‌نشدن کتاب مکنون به دنیای مادی

اینکه رابرت ویسنو، (ر. ک: Leiden Quran Encyclopedia, vol.2, p.412) معتقد بودند که آن منبع، به دنیای مادی نازل شده و به تعداد ۱۰۴ یا ۱۱۴ سوره است، صحت ندارد؛ چراکه از منظر عالمانی که به لوح محفوظ عقیده‌مند شده‌اند، لوح محفوظ، عندالله است نه عندالناس و از طرف دیگر، آن کتاب به شکل کتاب صفحه‌بندی شده هم نیست؛ بلکه جایگاه علم کلی و جزئی پروردگار و محل حقیقت قرآنی و مشتمل بر همه مخلوقات است. چنین حقیقتی، عندالله است و به شکلی نیست که به دنیای کنونی، فرود آمده باشد یا صفحاتی را دارا باشد. (حافظیان، ۱۳۷۷: ۱۳۵) همان‌گونه که ابن عباس، در تفسیر آیه از پیامبر اکرم(ص) نقل کرد که فرمود: «انه لقرآن کریم فی کتاب مکنون» قَالَ: عِنْدَ اللَّهِ فِي صُفْحٍ مُطَهَّرَةٍ لَا يُمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ، قَالَ: الْمُقَرَّبُونَ؛ فرمود: آن، نزد خداوند در صفحه پاکیزه قرار دارد. جز افراد پاک، آن را مس نمی‌نماید» (سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۶: ۱۶۲).

۳،۱،۴ نادرست بودن اتصاف کتاب مکنون به کتاب

مادر

عنوان مادر کتاب، برای کتاب مکنون هم که ویسنو آن را ادعا نمودند، (ر. ک: Leiden Quran Encyclopedia, vol.2, p.412) درست نیست؛ چراکه «ام الکتاب» در مقابل متشابهات، اصطلاحی در آیه ۷ سوره آل عمران: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَ مَا يَنْكُرُ إِلَّا أُولُوا الْأَلْبَابِ» است که برای بخشی از آیات قرآن کریم که معانی‌شان، روشن و معانی دو پهلو ندارند، به کار برده شده است؛ زیرا وصف «ام الکتاب»، ناظر به قرآنی است که بر مردم توسط پیامبر نازل گردیده است نه آن کتاب جامع که رابرت، آن را ادعا می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳: ۱۹).

۴ گزارش رابرت ویسنو درباره

«مس»

رابرت، پس از آنکه گزارش می‌کند که مقصود از مطهرون، ملائکه هستند، بیان می‌دارد که این ملائکه، آن منبع جامع را از هر گونه تغییر و تبدیلی مصون و محفوظ می‌دارند. عبارت وی در این زمینه چنین است: «بر اساس تفسیر اکثر مفسران، این کتاب با در سمت راست عرش الهی قرار دارد یا زیر آن و در بالای هفتمین آسمان واقع شده است. برخی نیز معتقدند که این کتاب بر پیشگاه فرشته‌ای به نام اسرافیل قرار گرفته است. به دلیل جایگاه رفیع آن، کتاب آسمانی از دسترس انسان‌ها پنهان است و تنها کسانی که به اندازه کافی پاک‌اند می‌توانند به آن نزدیک شوند؛ این افراد معمولاً فرشتگان در نظر گرفته

۴، ۱، ۲، ۱ تناسب معنای حس ظاهری با مطهرون یا مطهرون

اگر معنای حس ظاهری از مسّ، مراد بود بایستی آیه شریفه به شکل «مطهرون یا مطهرّون» می‌آمد؛ زیرا این نوع واژه، با توجه به معنای باب‌های مزیدفیه، به اعتبار اینکه از باب تفعّل است، به معنای مطاوعه طهارت می‌شود؛ یعنی آن کسی که حدث دارد، نیازمند کسب غسل در وقت مسّ قرآن است، لکن آیه شریفه، واژه «مطهرّون» از باب تفعیل قرائت شده است که به معنای کسی است که خداوند، او را از گناهان بزرگ یا کوچک پاک نموده است نه آن کسی که خودش را از حدث و گناه پاک نماید (ر. ک: رضی‌الدین استرآبادی، بی‌تا: ج ۱: ۱۰۴؛ نظام الاعرج، بی‌تا: ۱۴۹) پس، معنای مناسب با این واژه برخلاف مسّ ظاهری، علم و درک مفاهیم قرآن است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۹: ۱۳۷).

افزون بر آن، معرفی ملائکه به عنوان مصداق «مطهرّون» بر اساس برخی روایات، مثبت این نکته است که آیه شریفه، ربطی به حکم شرعی مسّ ظاهری ندارد (ثعالبی، ۱۴۱۸: ج ۵: ۳۷۱) خداوند در این آیه شریفه، در مقام بیان عظمت و شرافت جایگاه قرآن در مراتب ملکوتی و غیبی خداوند است و این اقتضا دارد که مقصود از «مسّ» دست کشیدن ظاهری نمی‌تواند باشد بلکه به معنای علم و معرفت به آن است. همان‌گونه که مسّ در آیه ۳۷۵ سوره بقره: «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الزُّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ...» کسانی که ربا می‌خورند، (در قیامت) بر نمی‌خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده (و نمی‌تواند تعادل خود را حفظ کند؛ گاهی زمین می‌خورد، گاهی بپا می‌خیزد) ...» به معنای دخالت و نفوذ شیطان در وارونه کردن فهم و علم رباکار و وسوسه‌ها و مکائد اوست (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ج ۴: ۴۲۰).

۴، ۱، ۲، ۲ ناسازگاری سیاق آیه شریفه با معنای انحصاری حس ظاهری

سیاق عبارت «فی کتاب مکنون» و آیه ۴۰۳ سوره زخرف: «إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (۳) وَ إِيَّاهُ فَى أُمِّ الْكِتَابِ لَدُنِّيَّا لَعَلِّي حَكِيمٌ؛ که ما آن را قرآنی فصیح و عربی قرار دادیم، شاید شما (آن را) درک کنید! (۳) و آن در «أُمِّ الْكِتَابِ» [لوح محفوظ] نزد ما، بلند پایه و استوار است! نیز می‌رساند که مقصود از مسّ، همان معنای علم به آن باید باشد؛ چراکه آن چیزی که در مکنون و محفوظ است، دست کشیدن ظاهری به آن معنایی ندارد؛ بلکه همان اطلاع یافتن به آن باید باشد که خداوند، علم به آن را مختص پاکان نموده است.

۴، ۱، ۲، ۳ تنافی معنای انحصاری حس ظاهری با مقام رفیع قرآن کریم

مطابق قول برخی از مفسران معاصر، مقصود از «مسّ» باید معنای فهم و تفسیر معانی و مفاهیم آیات باشد؛ چراکه قرآن را کسی می‌تواند تفسیر ظاهری و باطنی جامع بکند که از هر خطایی مصون باشد (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ج ۲۱: ۳۴۵). به دلیل اینکه قرآن، همانند وجود انسان دارای درجات مختلف است. قرآن در هر درجه‌ای که هست، افراد خاصی که در آن درجه

واقع هستند می‌توانند معانی آن را دریافت کنند. لذا درجه خاصی از قرآن هست که تنها ملائکه و انبیا و معصومان می‌توانند به آن آگاه شوند. درجه ظاهری هم از آن هست که افراد پاک از حدث و خبث نیز می‌توانند به آن درجه ظاهری علم پیدا کنند (ملاصدرا، ۱۴۲۹: ج ۷: ۱۰۹).

محصل اینکه، از آیه شریفه برداشت می‌شود که مراد از «مسّ» به لحاظ مقام که تجلیل از قرآن و مراتب رفیع آن است، صرف معنای دست‌زدن ظاهری به قرآن نمی‌تواند اراده شده باشد؛ بلکه ادراک و فهم حقایق قرآنی است که تنها افراد پاک از ارجاس و مزین به ظرفیه معنویه، قادر به درک آن‌ها هستند (مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۱۰: ۱۲۳) لذا برخی از مفسران معاصر مثل استاد قرشی، اراده معنای حس ظاهری را توسط ائمه معصومین (ع) استفاده خاص نام نهاده‌اند (قرشی، ۱۳۷۵: ج ۱۰: ۵۴۲).

۴، ۱، ۲، ۴ مخالفت اراده معنای انحصاری حس ظاهری با کلمه مطهرّون

ظاهر لفظ مطهرّون، بر کسانی اطلاق می‌شود که دیگری، آنان را پاکیزه گرداند و جزء تطهیرشدگان الهی در آید نه اینکه خودشان به طهارت و کسب آن اقدام نمایند (انصاری، ۱۴۱۵: ج ۲: ۴۰۸؛ خوئی، بی‌تا: ج ۸: ۱۴۰).

افزون بر آن، اراده طهارت به معنای طهارت از حدث و خبث، حقیقت شرعی‌ای است که تحققش در مکه، قابل اثبات و معلوم نیست؛ چراکه بیشتر احکام در شهر مدینه آمده و اکثر آیات نازل در مکه هم، دلالت بر عقاید و اصول دارند. بنابراین، دلالت طهارت بر پاکیزگی از آلودگی باطنی، احتمال بیشتر دارد تا دلالت بر پاکیزگی از آلودگی ظاهری.

از این‌جا، معلوم می‌شود که افزون بر اینکه مسّ در آیه شریفه، به معنای دسترسی باطنی؛ یعنی فهم و درک است، «لا» هم بر خلاف نظر الوسی، (الوسی، ۱۴۱۵: ج ۱۴: ۱۵۳) از گونه نهی نیست تا آیه شریفه، تنها دلالت بر حکم فقهی بکند بلکه از گونه نفی است که خبر از واقعیتی می‌کند هرچند به معنای نهی و انشائی هم می‌تواند اراده بشود، لذا اگر در برخی از احادیث مانند حدیث منقول از امام رضا (ع) که فرمودند: «الْمُصْحَفُ لَا تَمْسُهُ عَلَى غَيْرِ طَهْرٍ وَ لَا جُنْبًا وَ لَا تَمْسُ خَطَهُ وَ لَا تَعْلُقُهُ إِنْ اللَّهَ يَقُولُ لَا يَمْسُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (حویزی، ۱۴۱۵: ج ۵: ۲۲۶) این نوع احادیث، حمل بر برداشت باطنی از قرآن هستند. افزون بر آن، ایرادات سندی و قابل حمل بر کراهت است که برخی از فقها، آن را ادعا نموده‌اند (خوئی، بی‌تا: ج ۳: ۳۱۶).

در هر صورت، اینکه آقای رابرت ویسنو گزارش می‌نمود که معنای مسّ، تنها حس ظاهری و به معنای محافظت از تغییر و تبدیل منبع جامع به دست ملائکه آسمانی است (ر. ک: Leiden Quran Encyclopedia, vol.2, p.412) ایراد جدی دارد به دلیل اینکه مسّ در لغت و اصطلاح، در معنای مورد نظر رابرت منحصر نیست؛ چراکه برخی آن را به معنای مس ظاهری و بعضی نیز به معنای مساس عقلی و باطنی دانسته و عده‌ای از مفسران هم آن را در معنایی اعم از

معرفی انحصاری ملائکه برای آن، خالی از ایراد نیست به دلیل اینکه، عصمت از مطلق گناهان، مختص و منحصر در ملائکه نمی‌تواند باشد بلکه انبیا و انسان‌های ابرار را نیز شامل می‌گردد؛ چراکه انبیا و افراد مخلص هم در نظر خود اهل سنت همچون فرشتگان، معصوم از عموم گناهان می‌باشند. همان‌طور که خود طبری هم با توجه به این اشکال، قائل به معنای اعمی شده و بیان کرده‌اند که مقصود از «مطهرون» را نمی‌توانیم مختص ملائکه بکنیم؛ بلکه شامل انبیا و انسان‌های مخلص دیگر هم می‌تواند باشد (طبری، ۱۴۱۲: ج ۲۷: ۱۱۹).

۵، ۱، ۲ غفلت از استناد و ارجاع به منابع شیعی

در این میان، با نگاهی به آثار شیعی در تفسیر آیه مورد نظر، معلوم می‌شود که در میان عالمان شیعی، قول غالب، معرفی مطهرون در معنای اعم با توجه به گستره مفهومی مطهر به معنای عصمت از احداث، خطایا، گناهان، خیانت و ارجاس در ملائکه و غیر ملائکه است (طوسی، بی‌تا: ج ۹: ۵۱۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۹: ۳۴۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۹: ۱۳۷؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ج ۲۸: ۱۰۴) در این قول هم، فرقی نیست بین اینکه مراد از کتاب مکنون، لوح محفوظ باشد یا قرآن؛ چراکه افرادی مانند انبیا و ابرار می‌توانند با اذن الهی و اصطفاء خداوند، از عالم غیب؛ یعنی لوح محفوظ مطلع باشند؛ زیرا خداوند در قرآن کریم، اطلاع بر غیب را در کنار اطلاع استقلالی خود، برای غیر خود هم با اجتنای الهی ممکن دانسته است. به‌عنوان نمونه، خداوند در آیه ۱۷۹ سوره آل عمران: «مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ...» چنین نبود که خداوند، مؤمنان را به همان‌گونه که شما هستید واگذارد؛ مگر آنکه ناپاک را از پاک جدا سازد و نیز چنین نبود که خداوند شما را از اسرار غیب، آگاه کند (تا مؤمنان و منافقان را از این راه بشناسید؛ این برخلاف سنت الهی است) ولی خداوند از میان رسولان خود، هر کس را بخواهد برمیگزیند؛ (و قسمتی از اسرار نهان را که برای مقام رهبری او لازم است، در اختیار او می‌گذارد). «...» اشاره دارد بر اینکه خداوند به برگزیدگان خودش که همان رسولان باشند، از غیب خبردار می‌نماید (طوسی، بی‌تا: ج ۳: ۶۳؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ج ۶: ۱۰۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۳: ۱۸۸).

۵، ۱، ۳ بی‌توجهی به سیاق آیات قرآن کریم

همان‌گونه که گذشت، دلیل بر اینکه، مصداق «مطهرون» در ملائکه منحصر نیست، این است که کلمه مذکور از تطهیر می‌آید و منظور از تطهیر، پاک‌شدن به واسطه خداوند است نه به وسیله خود؛ چراکه تطهیر، بر وزن تفعلیل به معنای پاک‌کردن است و معنا و مفهومش، این است که انسان به دست دیگری از رذائل باطنی و ظاهری پاک گردد. روشن است که این کار در وجود انسان، به دست خداوند امکان‌پذیر است. پس، همان خدایی که ملائکه را به صورت تکوینی، از همه گناهان میرا نموده است. افراد خاص و برگزیده خود را نیز می‌تواند به همان شکل، از عموم گناهان منزّه گرداند.

شاهد بر این معنا، آیه تطهیر؛ یعنی آیه ۳۳ سوره احزاب: «... إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ

معنای ظاهری و باطنی با حمل هر یک بر تفسیر و تأویل دانسته‌اند. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۵: ۱۲۹).

۵ گزارش رابرت ویسنو در تفسیر «مطهرون»

رابرت ویسنو اسکای در مقاله «کتاب آسمانی» خود، در ابتدا به معرفی انواع و مصادیق کتاب آسمانی پرداخته و بیان می‌کند که کتاب تورات، متضمن احکام و عقاید است و انجیل هم مشتمل بر نصایح و دستورات الهی است؛ لکن قرآن مسلمانان، حاوی عقاید، اخلاق و قوانین است و پس از آنکه یکی از ویژگی‌های کتاب مکنون را عدم دسترسی ناپاکان (غیرمطهرین) به آن می‌شمرد، به معرفی «مطهرون» از دیدگاه مسلمانان پرداخته، می‌نویسد: «آنان، همان فرشتگانی هستند که در برابر هر تغییر و تصرفی، از آن کتاب محافظت می‌کنند» (Ibid, vol.2, p.412).

۵، ۱ نقد و تحلیل

ادعای رابرت، در اینکه مقصود از مطهرون، تنها ملائکه است به دلایل ذیل، مخدوش و غیر قابل قبول هستند:

۵، ۱، ۱ غفلت از برخی منابع اهل سنت

تفسیر کلمه مطهرون و تعیین مصداق آن، بین مفسران محل گفت‌وگوست. اکثر مفسران اهل سنت، مصداق آن را ملائکه دانسته‌اند (قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۱۷: ۲۲۶؛ رسعی، ۱۴۲۹: ج ۷: ۶۱۹) به‌عنوان نمونه، فخر رازی با بیان اینکه کلمه مذکور، از ریشه تطهیر است نه از ماده اطهار، معتقد است بر اینکه مصداق مطهرون، تنها ملائکه هستند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۲۹: ۴۳۳) گزارش رابرت (ر.ک: Leiden Quran Encyclopedia, vol.2, p.412) هم، احتمالات مستند به نظر افرادی مثل ماتریدی است که با انحصار مصداق مطهرون در ملائکه، مکنون بودن لوح را از حیث صیانت آن به دست آنان از هر گونه تبدیل و تغییر می‌داند (ماتریدی، ۱۴۲۶: ج ۹: ۵۰۶) یا مستند به قول ماوردی است که مدعی است در صورتی که مقصود از کتب، لوح محفوظ باشد، در آن صورت، مقصود از مس، لمس و یا انزال آن توسط ملائکه خواهد بود (ماوردی، بی‌تا: ج ۵: ۴۶۴).

در مقابل گروه قبلی، عده‌ای قلیل از مفسران اهل سنت، مطهرون را در معنایی اعم تفسیر کرده و ادعا نموده‌اند که مراد از «تطهیر»، تنها طهارت از حدث و خبث نیست؛ بلکه رهایی از هر نوع آلودگی است که در درجه نخست، نجات از هر گونه تعلق به غیر خدا را شامل می‌گردد و یا نجات از هر پلیدی و گناهی را که در پیشگاه الهی گناه محسوب گردد، فرا می‌گیرد، لذا مراد از تطهیر، تنها طهارت ظاهری و دوری از حدث و خبث نیست بلکه دوری دل از هر پلیدی نفسانی و شیطانی است که اجتناب از گناه، زمینه را برای آگاهی از حقایق قرآن فراهم می‌کند (طبری، ۱۴۱۲: ج ۲۷: ۱۱۸).

از آن چه گفته شد، نتیجه گرفته می‌شود که تنها قول غالب در بین اهل سنت، معرفی ملائکه به‌عنوان مصداق مطهرون است. البته، به عقیده نگارنده، چنین تفسیری از مطهرون و

به همین دلیل، مرحوم علامه طباطبائی، «مطهرون» را محدود به ملائکه نمی‌داند بلکه بر اساس آیه تطهیر در آیه ۳۳ سوره احزاب، انسان‌هایی نیز معرفی می‌کند که خداوند، روح‌شان را از هرگونه آلودگی پاکیزه گردانیده است. آن‌ها، پیامبر اکرم (ص) اهل بیت و امامان معصوم علیهم‌السلام هستند (طباطبائی، ۱۳۹۰: ج ۱۹: ۱۳۷).

۶ نتیجه‌گیری

ماحصل مطالب گذشته این است که:

۱. آقای رابرت ویسنو اسکای با عنوان «Heavenly Book» در دایره‌المعارف قرآن لایتن، گزارشی ناقص و معیوب از دیدگاه عالمان دینی مسلمان، درباره «کتاب مکنون، مس و مطهرون» ذیل آیات سه‌گانه ۷۷ تا ۷۹ سوره واقعه ارائه نموده است.

۲. نظر نخست وی درباره تفسیر کتاب مکنون، مخدوش است؛ زیرا مراد از «کتاب مکنون» طبق عقیده مفسران اهل سنت و شیعی، یا قرآن کریم است و یا حداقل، به عینیت کتاب مکنون با کتاب جامع آسمانی ادعایی رابرت اتفاق نظر ندارند. همان‌طوریکه به نظر آنان، کتاب مکنون بر عکس عقیده رابرت، به صورت مکتوب بر مردم توسط پیامبر نازل نگردیده است و صفت «امّ الکتاب» هم، ناظر به قرآن کریم است نه به کتاب جامع ادعایی رابرت.

۳. عقیده دوم رابرت در «مس» ایراد دارد؛ زیرا معنای ادعایی رابرت، تنها با کلمه «مطهرون» یا «مطهرون» متناسب است و با سیاق آیات شریفه مورد بحث هم ناسازگار است و از طرفی، معنای ادعایی رابرت ویسنو، با مقام رفیع قرآن کریم که آیات مزبور، به دنبال توصیف آن هستند، همسو نیست و از سوی دیگر، با معنای واژه «مطهرون» هم منافی است.

دیدگاه سوم رابرت، در زمینه «مطهرون» هم کاستی دارد به این دلیل که مصداق ملائکه، نظر همه مفسران اهل سنت نیست و به نظر مفسران شیعی نیز، اعم از ملائکه و غیر ملائکه نظر غالب در میان آنان است و از سویی، نظر رابرت در ارائه مصداق ملائکه با مفاد برخی دیگر از آیات قرآن کریم منطبق نیست.

تطهیراً؛ ... خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.» است که خداوند در آن به‌طور صریح، اهل بیت پیامبر (ص) را در نوبت نخست، از هرگونه رجسی پاک کرده و سپس، آن‌ها را آراسته به فضائل فکری، روحی و رفتاری می‌نماید. خود طبری، تنها یک روایت در دلالت این آیه شریفه بر ازواج النبی نقل می‌نماید ولی روایات متعددی در شأن نزول این آیه شریفه در حق آل عبا؛ یعنی پیامبر گرامی و حضرات فاطمه، علی، حسن و حسین نقل می‌کند (طبری، ۱۴۱۲: ج ۲۲: ۶) هرچند مفسرانی همچون قرطبی، آیه شریفه را عام معنا کرده‌اند (قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۱۴: ۱۸۳) ولی توجه به این نکته مهم است که دلالت آیه بر پنج تن آل عبا، متیقن است و دلالت آن بر زوجات النبی، محل شک است. با وجود متیقن، اعتباری به مشکوک نیست؛ زیرا ضمیر «کم» در «عنکم و يطهرکم» مانع از شمول آیه بر زوجات النبی می‌گردد و کلمه «انما» نیز، طهارت تکوینی را منحصر در اهل بیت می‌کند (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ج ۲۴: ۱۱۶-۱۱۲).

افزون بر آنکه، اراده تکوینی مورد نظر در آیه شریفه، نمی‌تواند شامل زوجات النبی هم باشد چون اگر منظور از فعل «یرید» از نوع اراده تشریعی بود، در آن صورت، اشتمالش بر زوجات النبی هم محتمل می‌گشت و با توجه به امکان تفکیک مراد از اراده در اراده تشریعی، منزلتی و فضیلتی برای «اهل بیت» باقی نمی‌ماند و در نتیجه، از این لحاظ هم، در دلالت آیه شریفه بر اهل بیت خاص پیامبر تردیدی نمی‌ماند (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰: ج ۱۶: ۳۱۰).

در این باره، یکی از مفسران معاصر چنین می‌نویسد: «جمله "یرید" اشاره به اراده تکوینی پروردگار است وگرنه اراده تشریعی و به تعبیر دیگر لزوم پاک نگاهداشتن خویش، انحصاری به خاندان پیامبر (ص) ندارد و همه مردم بدون استثناء به حکم شرع موظفند از هرگونه گناه و پلیدی پاک باشند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۱۷: ۲۹۲).

پس «مطهرون» نه شامل تطهیرکنندگان ظاهری و اکتسابی است و نه منحصر در ملائکه است؛ بلکه شامل کسانی است که خداوند به صورت تکوینی، نفوسشان را از هرگونه آلودگی رها نموده است؛ زیرا مطهرون، آن کسانی هستند که خلقت پاکیزه دارند مثل ملک و نبی و اما اشخاصی که به واسطه وضو و یا غسل پاکیزه هستند. آن‌ها را «مطهرون» می‌گویند که کسب پاکیزگی کرده‌اند، لذا این کلمه را نمی‌توان به کسانی که غسل کرده یا وضو گرفته‌اند معنی کرد؛ زیرا آن‌ها را مطهر گویند نه مطهر (قرشی، ۱۳۷۵: ج ۱۰: ۵۴۲).

منابع

- قرآن کریم، ۱۳۸۷ش، ترجمه مکارم شیرازی، قم: نشر انتشارات نسل جوان.
- ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، ۱۳۹۷ق، الغیبة (للنعمانی)، چاپ اول، تهران: نشر صدوق.
- ابن عربی، ۱۴۲۲، محمد بن علی، تفسیر ابن عربی (تأویلات عبدالرزاق)، بیروت: نشر دار احیاء التراث العربی.
- ابو حیان، محمد بن یوسف، ۱۴۲۰، البحر المحيط فی التفسیر، بیروت: نشر دارالفکر.
- الوسی، شهاب الدین سید محمود، ۱۴۱۵ق، تفسیر روح المعانی، بیروت: نشر دار الکتب العلمیه.
- انصاری، مرتضی، ۱۴۱۵، کتاب الطهارة، قم: نشر کنگره شیخ انصاری.
- بغدادی، علاء الدین محمد بن علی، ۱۴۱۵ق، تفسیر لباب التأویل فی معانی التنزیل، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- بغوی، حسین بن مسعود، ۱۴۲۰ق، تفسیر معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، بیروت: نشر دار احیاء التراث العربی.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ق، انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۱۸، تفسیر جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، بیروت: نشر دار احیاء التراث العربی.
- جوهری، ابونصر، ۱۴۰۴ق، صحاح اللغة، بیروت، بیروت: نشر دارالملاک للملابین.
- حافظیان، ابوالحسن، ۱۳۷۷ش، شرح و تفسیر لوح محفوظ، تهران: انتشارات طبع و نشر.
- حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی، بی تا، روح البیان، بیروت: نشر دارالفکر.
- حویزی، عبد علی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، تفسیر نور الثقلین، قم: نشر اسماعیلیان.
- خوئی، سید ابوالقاسم، بی تا، موسوعة الامام الخوئی، بی جا، بی نا.
- فخر رازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، مفاتیح الغیب، بیروت، نشر دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن احمد، ۱۴۱۲ق، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: نشر دار العلم.
- رسعنی، عبدالرزاق بن رزق الله، ۱۴۲۹، رموز الكنوز فی تفسیر الکتاب العزیز، عربستان - مکه مکرمه، نشر مکتبه الاسدی.
- رضی الدین استرآبادی، محمد بن حسن، بی تا، شرح شافیه ابن الحاجب، چاپ اول، بیروت: نشر دارالکتب العلمیه.
- زبیدی، سید مرتضی، ۱۴۱۴ق، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: نشر دارالفکر.
- زمانی، محمد حسن، ۱۳۸۲ش، مقاله «نقد دایره المعارف قرآن لیدن بر اساس آرا و مبانی شیعه»، مجله پژوهش های فلسفی کلامی، ۱۳۸۲، ش ۱۷ و ۱۸: ۷۵-۱۰۴.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ق، الکشاف فی تفسیر القرآن، بیروت: نشر دار الکتب العربی.
- سبحانی، جعفر، بی تا، مفاهیم القرآن، قم: نشر مؤسسه امام صادق(ع).
- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۴ق، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱۳۶۵، الفرقان فی تفسیر القرآن، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۲ق، تفسیر جوامع الجامع، قم: نشر حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: نشر ناصر خسرو.
- مرتضوی، سید محمد و همکاران، ۱۳۹۱ش، مقاله: «نقد رویکردهای معناشناسی واژه مس در آیه لا یَمْسُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»، نشریه آموزهای قرآنی، دوره ۱۰، ش ۱۸، بهمن ۱۳۹۱: ۱۲۸-۱۰۱.
- باقر زاده، عبدالرحمن، ۱۳۹۴ش، مقاله: «تفسیر تطبیقی آیه لا یَمْسُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»، نشریه مطالعات تفسیری، ش ۲۳، سال ۱۳۹۴: ۱۲۲-۱۰۳.
- نجازادگان، فتح الله و علی انیدیه، ۱۴۲۷، مقاله «دراسة مصطلح المطهرون فی آیه ۷۹ الشریفه فی سوره الواقعه لغویه دلالية»، سال ۱۱، ش ۴، سال ۱۴۲۷: ۷۱۷-۶۹۵.

کریمپور قراملکی، علی، ۱۳۹۷ش، صیانت از وحی (پاسخ برخی از شبهات مستشرقین)، قم: نشر ادباء.

کریمپور قراملکی، علی، ۱۴۰۳، مقاله «بررسی و نقد مدخل «کتاب آسمانی» دایره المعارف قرآنی لایدن» نشریه اسلام‌شناسی و قرآن‌پژوهی در جهان معاصر، شماره ۱، دوره ۲۴۵: ۳-۲۶۴.

ماتریدی، محمد بن محمد، ۱۴۲۶، تأویلات اهل السنة، بیروت: نشر دارالکتب العلمیه.

ماوردی، علی بن محمد، بی‌تا، النکت و العیون تفسیر الماوردی، بیروت: نشر دارالکتب العلمیه.

مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، نشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱ش، تفسیر نمونه، ۲۸ جلد، دار الکتب الإسلامیة، چاپ: ۱۰ - ایران - تهران.

ملاصدرا، محمد بن ابراهیم، ۱۴۲۹ق، تفسیر القرآن الکریم، ج ۶، قم: بیدار.

موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی، ۱۴۰۹ق، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، بی‌جا، نشر سماحة آیه الله العظمی سبزواری.

نظام الاعرج، حسن بن محمد، بی‌تا، شرح النظام علی الشافیه، چاپ اول، قم: نشر دار الحجة للثقافة.

طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، جامع البیان فی تأویل آی القرآن، جامع البیان فی تفسیر آی القرآن، بیروت: نشر دار المعرفه.

طریحی، فخر الدین، ۱۳۷۵ش، مجمع البحرین، تهران: نشر کتابفروشی مرتضوی.

طوسی، محمد حسن، بی‌تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، نشر دار احیاء التراث العربی.

عسکری، ابوهلال، ۱۴۰۰ق، الفروق فی اللغة، بیروت: نشر دارالافاق الجدیدة.

فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، کتاب العین، قم: نشر هجرت.

فضل الله، سید محمد حسین، ۱۴۱۹، من وحی القرآن، بیروت: نشر دار الملائک.

فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۱۵ق، تفسیر الصافی، تهران: نشر صدر.

فیومی، احمد بن محمد، ۱۳۹۷، المصباح المنیر، تهران: نشر دار الهجره؛

قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۵ش، تفسیر احسن الحدیث، تهران: نشر بنیاد بعثت.

قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴ش، الجامع لاحکام القرآن، تهران: نشر ناصر خسرو.

Leiden Quran Encyclopedia, second volume, The article "Heavenly Book", Netherlands, Brill Publications, 2005